

وفات حضرت ام کلثوم (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



بسم الله الرحمن الرحيم

مشخصات حضرت

کلثوم دختر فاطمه زهرا (س) و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) دختر دوم حضرت زهرا (س) به ام کلثوم شهرت دارد. گفته می شود عمر ایشان را برای خود خواستگاری نمود و عنوان کرد : ای علی اگر بر این ازدواج راضی نباشی ترا می کشم. که فرمان خلیفه را وا گذاشته ای و وی را به زور به زنی گرفت. اما هنگام تولد کودک مادر و فرزند از بین رفتند. اما علامه امینی صاحب الغدير این موضوع را رد کرده است.

حضور در کربلا

«در هر حال زنی به نام ام کلثوم که دختر امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) می باشد در صحنه کربلا حضور داشته است که از سخنرانی های ایشان و خطاب (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) به ای پدرم؛ باید فرزند حضرت فاطمه زهرا (س) باشد.»

«ام کلثوم در زمین کربلا بعد از قتل امام حسین (ع) شاهد نوحه خوانی فرشته ای از جن بوده است.»

زمانی که لشگریان ابن سعد به غارت اهل حرم دست زدند؛ ام کلثوم با فریاد بر سر عمر سعد انزجار خود را از بین عمل نشان داده و مانع غارت خیمه امام زین العابدین (ع) گشت. هم چنین اعلام کرد؛ سعد حکم کند هر آن چه از چادر و پوشش زنان غارت کرده اند به آن ها بازگردانند . هیبت ایشان به قسمی بود که عمر سعد چنین کرد. اما کسی ابدًا چیزی برنگرداند و ام کلثوم با سرودن اشعاری مردم را به خاطر انجام چنین کاری سرزنش نمود.

زمانی که اهل حرم به کوفه رسیدند، پس از سخنرانی حضرت زینب (س) و فاطمه دختر امام حسین (ع) ام کلثوم سخنرانی نمود و فرمود: «ای مردم کوفه رسوایی بر شما . چرا حسین را خوار نمودید و اورا کشتید؟ اموالش را به تاراج بردید و از آن خود دانستید و زنان حرمش را اسیر نموده و آزار و شکنجه اش نمودید؟...»

و سپس اشعاری در مذمت کار کوفیان و سرزنش اعمال آنها قرائت نمود. به قسمی که مردم صدا به گریه و نوحه بلند کردند و زن و مرد گریه می کردند. زنان گیسوان پربشان کرده و خاک بر سر می ریختند و مردان ریش خود را می کنند.

ورود به کوفه

«زمانی که کاروان اسرا وارد کوفه شد و مردم حال نزار کودکان را مشاهده کردند، به آن ها نان و خرما می دادند و بعضا کودکان تشنه و گرسنه می خواستند از آن ها تناول کند. اما ام کلثوم نان و خرما را از دست آنها می گرفت و می انداخت و فریاد می زد: ای اهل کوفه صدقه بر ما اهل بیت روا نمی باشد و هم چنین فرمود: ای اهل کوفه مردان شما مردان ما را می کشند و زنان شما بر ما گریه می کنند فردای قیامت خداوند متعال بین ما و شما حکم خواهد فرمود.»

دعای حضرت

«در راه شام در منزل قنسرین که در یک منزلی «حلب» است، مردم آن همه از شیعیان علی (ع) می باشند، دروازه ها را بسته و مانع ورود لشگر به شهر شدند. جماعت بنی امیه را لعن کرده و با سنگ بر لشگریان می زدند. ام کلثوم در رثای این عمل آنها اشعاری سرود و از آن ها تشکر کرد. در راه شام در منزل «سیبور» مردم گرد هم آمدند تا در مورد کاروان اسرا تصمیم بگیرند. پیرمردی گفت فتنه ایجاد نکنید. این سر از همه سرزمین ها گذشته است بگذارید از سرزمین شما نیز بگذرد. اما جوانان شهر بر این اقدام آن ها معترض شده و آماده جنگیدن شدند. در

جنگ با لشکری که کاروان اسرا را همراهی می کردند بسیاری از سربازان را به درک واصل کردند. ام کلثوم درباره این شهر دعا کرد و فرمود: خداوندا آب آن ها را گوارا ساز و دست ظلم را از آنها کوتاه ساز. به برکت این دعا اگر همه جهان از ظلم و جور آکنده شود در سرزمین آنها جز نشانه های نعمت و بخشش و پرچم قسط و عدل برافراشته نمی شود!»

نفرین حضرت

«زمانی که کاروان اسرا به (بعلبک) نزدیک شد حاکم (بعلبک) بنا به دستور فرمانده لشکر یزید مجلس بزم و طرب مهیا ساخته و از شراب و نوشیدنی مهیا کرد. نوازندگان بنواختند و از آن کافران استقبال به عمل آوردند. ام کلثوم در حق آن سرزمین نفرین کرد که خدای تعالی نابود کند وسعت و معیشت شما را و آبتان را خوش گوارا نسازد و دست ظالمان را از سر شما کوتاه نکند.

سخنرانی حضرت در دمشق

«زمانی که قرار بود اهل بیت را وارد شهر کند وقتی به نزدیک دروازه ها رسیدند ام کلثوم به شمر فرمود: من خواسته ای دارم؟ شمر گفت : خواسته ات چیست؟ ام کلثوم فرمود: اینک این شهر دمشق است. ما را از دروازه ای داخل کن که مردمان کمتری جمع باشند و بگو سرهای شهدا را از ما دور کنند تا مردم به نگاه کردن سرها مشغول شده و کمتر به ما نگاه کنند. شمر بر خلاف این نظر عمل کرد و دستور داد سرهای مطهر را بین کاروان پخش کرده و آنها را در شلوغ ترین ساعات روز از شلوغ ترین دروازه که «دروازه ساعات» نام داشت وارد کرده و در همان حال شمر به رجز خوانی و بیان مفاخر خود در کشتن امام حسین (ع) پرداخت. ام کلثوم نیز فریاد برآورد : خاک بر دهانت باد ای ملعون ، لعنت خداوند بر ستمکاران وای بر تو آیا فخر ما کنی بر یزید، که کسی را به قتل رسانیدی که جبرئیل در گهواره برای او لایلی می گفت و نام گرامی اش در سرا پرده عرش پروردگاری مکتوب است. کسی که خداوند متعال؛ پیامبری جدش رسالت را پایان داد. آیا افتخار تو این است که کسی را به قتل رسانیدی که پدرش نابود کننده مشترکین بود؟ کجا جدی و پدری و مادری مثل جد و پدر و مادر من می بینی. خولی که ناظر این گفت و گو بود گفت تو هرگز از شجاعت دست بر نمی داری و تو دختر مرد شجاعی هستی. «زمانی که کاروانیان به شام بازگشتند، به نزدیک مدینه که رسیدند نوحه و زاری از حد برون شد. دیدار خانه امام حسین (ع)، دیدار رسول خدا (ص)، بدون حسین (ع) و رنج و محنتی که در این سفر متحمل شده بودند همه در قالب مرثیه و شهر بر زبان ام کلثوم جاری شد.»

حضرت ام کلثوم بر سر قبر مادرش نیز عقده دل وا کرد و مرثیه خواند مردم نیز در این مرثیه خوانی با وی همراهی کردند.

حضرت ام کلثوم بعد از ورود به مدینه تا چهار ماه بیشتر زنده نماند و آن گونه که در تاریخ ضبط است در بقیع دفن شده است.

منبع: پایگاه اهل بیت (علیه السلام)